

بررسی سبک زندگی شیعیان سرزمین شام قرن چهارم تا هفتم با تأکید بر آداب و رسوم

هادی شمس‌آبادی*

چکیده

پس از چند سده پیشرفت تمدنی در جوامع اسلامی، هجوم دشمنان صلیبی و غیر صلیبی، جنگ‌های پیاپی و درگیری‌های داخلی و نیز تکفیر مسلمانان از سوی برخی از مذاهب اسلامی، جامعه اسلامی عقب‌گردی به سمت و سوی جاهلیت داشت. به طوری که جوامع اسلامی، دچار دگرگونی فکری و رفتاری شدند و شیوه‌های نوین زندگی افراد در جامعه اسلامی، که دارای ارزش‌های مذهبی و سنتی بود، از جامعه شیعی فاصله گرفت و این عقب‌گردی با پذیرش سایر فرهنگ‌های بلاد غیر اسلامی همراه شد. این‌گونه سبک زندگی در افکار و رفتار، نه تنها عامل پیشرفت نشد، بلکه موجبات افزایش عقب افتادگی جوامع اسلامی و تسلط دشمنان دین و ملت شد. این دگرگونی در سبک زندگی شیعیان سبب تحلیل وضعیت و شناخت علل و عوامل توسط اندیشمندان و پژوهشگران علوم انسانی شد. در این مقاله سعی شده به بررسی سبک زندگی شیعیان در شامات از قرن چهارم تا هفتم پرداخته شود.

کلیدواژه: شیعیان، شام، سبک زندگی، آداب و رسوم.

*

مقدمه

۴۴

رفتارها، آداب و رسوم و شکل‌گیری فرهنگ شیعیان برگرفته از آیات قرآن کریم می‌باشد. مانند توجه انسان به رابطه غذا و وحدانیت خدا که در آیات سوره مبارکه عبس به آن اشاره شده است. در جای دیگر خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد از خوردن خون، خوک و میته و... خودداری کنید و در خوردن گوشت حد وسط را گرفته و اجازه هر گوشتی را به مسلمانان داده است. در معنای سبک زندگی سخن بسیار گفته شده و تعاریفی بسیاری از آن ارائه داده اند. سبک زندگی، الگو و روشی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. به عبارت دیگر، شیوه‌ای به نسبت ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند.^۱ سبک زندگی اسلامی، شیوه‌فردی و اجتماعی است که همه یا بیشتر متدینان به اسلام یا گروه مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان منعکس می‌شود. از تعاریفی که ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم سبک زندگی عبارت از الگویی همگرا، مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی اوضاع اجتماعی و یا دارایی‌هایی که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیح (سلیقه‌ها) در تعامل با شرائط محیطی خود انتخاب یا ابداع می‌کند. زیرا دین اسلام به عنوان کاملترین دین و خاتم ادیان دارای یک سری اصول و اعتقادات است که سبب می‌شود فرد، مسلمان محسوب شود. از سویی رشد روز افزون ارتباطات نظری و اجتماعی با جامعه مدرن غربی، موجب نوعی یکسان سازی مفهومی در تحلیل واقعیت‌های متفاوت جامعه شده است و یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر مورد توجه واقع شده است، و در جوامع علمی به آن پرداخته و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، سبک زندگی است که یکی از مباحثت به روز در جامعه ما محسوب می‌شود.

۱. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۱۶.



سبک زندگی انسان‌ها دارای مؤلفه‌هایی مانند شیوه زندگی، خودآرایی، پوشاسک، مسکن، حمل و نقل، شیوه گذراندن اوقات فراغت و رفتارهای اجتماعی فرد در بیان احساسات، عاطفه‌ها و خواسته‌ها می‌باشد.^۱ درباره سبک و شیوه زندگی اجتماعی شیعیان در این دوره زمانی به دلیل کم اهمیت بودن آن نزد مورخان حتی اشاره کوتاهی دیده نمی‌شود تا بتوانیم مصادیق تفاوت رفتاری بین شیعه و دیگر اقوام را از هم تفکیک دهیم؛ اما به طور قطع با توجه به تفکرات و مبانی اعتقادی و پراکندگی تشیع در مناطق مختلف، مؤلفه‌های سبک زندگی آنها با دیگران نفاوت داشته است و می‌توان یک تصویر کلی از سبک زندگی شیعیان ارائه داد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. تشیع (Shiitem)

«شیعه» در لغت از ماده «شیعَ» به معنای مشایعت، پیروزی، شجاعت، دسته و گروه است و هر قومی که هدف واحدی داشته، عده‌ای از آنها دیگری را تبعیت کنند، شیعه هستند.^۲ به طور عام، اصطلاح شیعه به یاران و دوستداران امام علی(ع) و فرزندان او اطلاق می‌شود. ابن خلدون می‌گوید: «شیعه در لغت عبارت است از یاران و پیروان؛ و در عرف فقهاء و متکلمان گذشته و حال، به پیروان علی(ع) و فرزندانش اطلاق می‌شود».^۳ در این پژوهش با توجه به تعریفی که بیان شد، شیعه به معنای عام مورد نظر است و فرقه‌هایی چون «امامیه»، «زیدیه»^۴ و «اسماعیلیه»^۵ را شامل می‌شود. هریک از این

۱. مجله معرفت، یعقوبی، شماره ۲۲۷، آبان ۱۳۹۵.

۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ، ج ۱، ص ۳۷۶.

۴. زیدیه از لحاظ سیاسی، شیعه به شمار می‌آیند، اما از حیث فقهی، سنی‌مذهب و تابع فقه حنفی هستند. فرقهٔ زیدیه پیروان مذهب زید بن علی بن حسین بن علی(ع) هستند. زیدیه به سه گروه تقسیم می‌شوند: جارودیه، سلیمانیه و بُتریه اشعری قمی، سعدبنعبدالله ابی‌خلف، المقالات والفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، ترجمة یوسف فضایی، ص ۱۴۳، ۱۴۴.

۵. کسانی که به امامت اسماعیل، فرزند امام صادق(ع) معتقدند.

فرقه‌ها که خود را شیعه می‌خوانند درباره امامت و مباحث کلامی و فقهی آن، آرایی دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند.^۱

۲-۱. شام (Syria)

شام در اصطلاح تاریخ جغرافیا به منطقه‌ای نسبتاً گسترده گویند که در جنوب غرب آسیا واقع شده است که از شمال به روم، از جنوب به مصر، از غرب به طرسوس و دریای مدیترانه محدود می‌شود. این منطقه سرزمین‌های امروزی مانند کشورهای سوریه، اردن، لبنان و فلسطین را در بر می‌گیرد.^۲ در دانش جغرافیای قدیم اسلامی، این چهار بخش را یک «جُند»^۳ می‌گفتند که عبارت از جُند فلسطین (الرملة)، جُند الاردن (طبریّة)، جُند دمشق و جُند قِنْسَرِين^۴ و برخی جُند عَوَاصِم را ذکر کرده اند.^۵ بعضی گویند: نام اولیه «شام» سوری بود، عرب‌ها «شامِین» را به شام مختصر کردند و نام شام بر تمام این نواحی غلبه یافت.^۶ برخی شام، جمع شامه- به معنی خال سیاه، لکه یا اثر سیاه بر روی زمین و نیز لکه های سیاهی که بر روی ماه دیده می شود^۷ و در اصطلاح به جهت فراوانی روستاهای قریه‌ها و نزدیکی آنها به یکدیگر، شام نامیده شده است.^۸

۴۶

۱. سید مرتضی، علی بن حسین، تبصره العوام فی معرفه مقام الانام، ص ۱۶۷.
۲. کردعلی، محمد، خطوط الشام، ج ۱، ص ۷.
۳. هر ناحیه‌ای که در آن سپاهیان باشند و روزی خود را در آنجا بگیرند جُند خوانده می‌شود(بالذری، احمد بن محمد بن خالد، فتوح البلدان، ص ۱۳۳ و ۱۳۴).
۴. ابن رسته، احمد بن عمر، اعلاق النفیسه، ص ۱۰۷.
۵. ابوالقداء، اسماعیل بن علی بن محمود، تقویم البلدان، ص ۳۳۴.
۶. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۱۱؛ مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۵۲.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲۹.
۸. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۱۲.



(Costoms) ۱-۳. آداب و رسوم

آداب و رسوم به رفتارهای جمعی گفته می‌شود که علی‌رغم ناکامی‌ها تجدید و تکرار می‌شوند و می‌توان آنان را کم و بیش آگاهانه یک عرف و عادت توسط همگان تلقی کرد.^۱ اما در مقام تعریف اختصاصی از مجموع کلمه آداب و رسوم دو تعریف ارائه می‌شود:

الف- مدل‌های اساسی و مهم و رفتارهایی که افراد به اجبار در یک محیط می‌پذیرند.

ب- مجموع رفتارهایی که به صورت عادت درآمده و افراد متعلق به یک انجام می‌دهند و جامعه نیز در ترتیب ارزش‌هایی برای آنان معنایی قائل است.^۲ برخی گویند در جریان زندگی هر انسان، روابط پیچیده فراوانی میان او و محیط (که شامل طبیعت و سایر انسان‌هاست) برقرار می‌شود که این روابط انسان را به طبیعت و انسان‌های دیگر پیوند می‌دهد و به اقتضای محیط تغییر می‌کند.^۳

۱-۴. سبک زندگی

چگونگی جریان حیات و شیوه‌های زندگی انسان‌ها (فردی یا اجتماعی) را سبک زندگی گویند. این واژه برخی عوامل نظیر شیوه لباس پوشیدن، نحوه آرایش و محل سکونت و رفتارهای فرهنگی و دینی شیعیان را در بر می‌گیرد.^۴

۲. آداب مهمانی در فرهنگ شیعه

در سیره زندگی اهل بیت (ع)، افرون بر تشویق و تاکید فراوان بر مهمان نوازی، رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای در جهت تصحیح و تقویت این فرهنگ ارائه شده است. در فرهنگ شیعی، گرامی داشتن مهمان رفتار با ارزش و خداپسندانه است و هر کس بر شهری وارد می‌شد که مهمان خانه‌ای شود بر مردم آن شهر لازم بود که بر خدمتش

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۷۹

۲. همان، ص ۲۳۳

۳. رگ. برن، زمینه جامعه شناسی، مقدمه، ص ۷

۴. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۰۶

مشرف بشوند.^۱ از آداب دیگر مهمهایی، بردن ظرف آب برای مهمان جهت شستن دست هایش،^۲ شروع کردن غذا توسط میزبان، به خدمت نگرفتن مهمان، اگرچه مهمان خودش قصد می کرد که به میزبان کمک کند باز هم میزبان به او اجازه چنین کاری را نمی داد.^۳ شهرهایی که در مسیر زائران بیت المقدس یا مسیر کاروانهای تجاری، مهمان سرا و مسافرخانه داشت، تا بتوانند به مردم خدمت رسانی کنند. مثلاً در مشهد ابراهیم، مهمان خانه ای بود که از زائران شیعه و دیگر مردم پذیرایی می کرد.^۴ در حلب هم مهمان سراهایی برای پذیرایی از مسافران وجود داشت.^۵

۴۸

۳. پوشش

از اولین احتیاجات انسان در طول تاریخ حیات، مسئله پوشش است که مورد توجه همه انسان ها بوده است. به طوری که قرآن در سوره نحل به این مطلب اشاره دارد. علامه طباطبائی گوید: امر خداوند به ضروریات زندگی از قبیل لباس پوشیدن و خود آراستن از این باب است که تربیتش حتی در امور ساده هم رعایت شده باشد.^۶ گفته شده پیامبر لباس های سفید از جنس پنبه و گاه از موی و پشم با رنگ های متنوع استفاده می کرد یا امیرالمؤمنین لباس های وصله دار می پوشید.^۷ و علی مانند محافظت از بدن در برابر گرما و سرما و دیگر اینکه میل به آراستگی و زیبایی در فطرت انسان را برای این ذکر کرده اند.^۸ علت توجه انسان به لباس علاوه بر تحول در ظاهر او زمینه ساز بروز تحولاتی در صحنه اجتماع هم شد که از مهمترین آنها صنعت بافتگی و صنعت

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۴. باب ما اتغدی و لا اتعشی.

۲. همان، ص ۲۹۰-۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۸۳.

۴. آن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶.

۵. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زیده الحلب، ج ۱، ص ۲۷۷.

۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۸۲.

۷. ابن شبه، ابو زید، تاریخ مدینه المنوره، ج ۳، ص ۸۰۴.

۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مقدمه ص ۱۰۴.



خیاطت توسط برخی از افراد پایه‌گذاری شد.^۱ از سویی لباس و پوشش انسان، از جمله نمادهای غیر زبانی هستند که معرف شیوه، سبک زندگی و شخصیت افراد در زندگی اجتماعی هستند و هر گروه جامعه را از گروه دیگر بازشناسی می‌کند. بنابراین مردم منطقه شامات به شیوه‌های گوناگونی لباس می‌پوشیدند و لباس پوشیدن مردم اغلب بر اساس پیشینه قومی و اعتقادی دینی آنان متفاوت بود. مانند اینکه در زمان دولت حمدانیان استفاده از قبا و ران بند برای امیران حمدانی و مردم مرسوم بود.^۲ یکی از پوشش‌ها عمامه بود و گذاشتن عمامه بر سر کنایه از بزرگی شخص در آن شهر بود و دلالتی بر احاطه علمی و معنوی فرد نداشت^۳ عبا،^۴ قلنوسه،^۵ فراء^۶ و مانند اینها نشان از سبک زندگی و پوشش آنها در آن عصر بوده است.

نوعی روپوش به نام «أسوار» مخصوص زنان بود و بیشتر مردان پیراهن سفید رنگی که جنس آن از حریر و پنبه و یا کتان می‌پوشیدند.^۷ مقدسی در گزارشی اشاره‌ای دارد به برخی پوتین‌هایی که از ساق پا تا زانو را می‌پوشاند و برخی نعلین و شمشک^۸ می‌پوشیدند.^۹ هدیه دادن لباس به دیگران اهمیت فراوان لباس را نشان می‌داد. لباس‌های پر زرق و برق که در کارگاه‌های بافندگی متعلق به حکومت بافته می‌شد و به عنوان

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱۱، ص ۵۱۶؛ راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۷، ص ۶۱.

۲. ابن عدیم، *کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد*، *زبدة الحلب*، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. راغب اصفهانی، *حسین بن محمد*، *مفردات الفاظ قرآن*، ص ۵۸۵.

۴. روپوش گشاد و بلندی که بر شانه انداخته می‌شود و جلوی آن باز است و روی لباس‌های زیرین قرار می‌گیرد (ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۵، ص ۲۶؛ راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۷، ص ۹۰).

۵. کلاه‌های متنوعی که از ابریشم خالص تهییه می‌شد و مورد استفاده عموم و حتی خواص بوده. این کلاه‌ها دارای اشکال مختلفی بوده است (کلینی، ج ۶، ص ۴۶۱).

۶. از دیگر پوشش‌کهای مورد نیاز در فصل سرما، در فارسی پوستین نامیده می‌شد. این لباس‌ها از پوست حیواناتی مانند روبه، سمور و گوسفند... در نواحی عراق تهییه می‌شد (کلینی، ج ۳، ص ۳۹۷).

۷. علی احمد، اسماعیل، *تاریخ بلاد الشام فی صدر الاسلام و العصر الاموی*، ج ۳، ص ۱۵۳.

۸. شمشکات را در برابر نعال و خفاف قرار داده، که معرف چمشک، چمتأک است (لغتنامه) ن. ک: ص ۱: ۴۴.

۹. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۲۱۷.

هدیه استفاده می کردند. مثلاً منصور بن لؤلؤ نزد مرداسیان اسیر بود، برای آزادی اش تعهد داد که پنجاه هزار دینار، صد و بیست رطل نقره و پانصد قطعه لباس گوناگون بپردازد.^۱ از سبک های زندگی شیعیان در زمان فاطمیان در شام می توان به پوشیدن حریرهای زرکش به خصوص در دمشق اشاره کرد که این نوع لباس‌ها طرفداران فراوانی داشت.^۲ همچنین مردم لباس‌های پنبه ای و دست دوز را بیشتر از لباس های صنعتی دوست داشتند.^۳

۴. مسکن

۵۰

معماری از نخستین هنرهای اجتماع شهرنشینی و کهن‌ترین آنهاست و چگونگی ساختمنها در شهرهای گوناگون متفاوت است. شیعیان سعی داشتند محل سکونت و کیفیت آن را بر اساس آنچه در روایات ائمه وارد شده، انجام دهند. اولین موضوعی که در بحث مسکن مطرح می شود، لزوم گشادگی منزل است و این از اسباب راحتی و سعادت مندی مومن در دنیا ذکر شده است.^۴ در ابتدا فضای کالبدی مسکن شیعیان از خشت پخته^۵ و یا خشت خام درست می شد،^۶ و برای پوشش سقف از گیاه اذخر استفاده می شد^۷ در گزارشی برای ساخت مساجد شیعیان از تنہ درختان خرما استفاده می شد^۸ اما بعد از قرن اول و فتوحات گشایش مالی و آشنایی با سبک های جدید، گچ نیز در مصالح ساختمانی استفاده می شد^۹ و برای هموار کردن کف خانه از سنگریزه و

۱. طقوش، امجد سهیل، تاریخ فاطمیین فی شمالي افريقيه و مصر و بلاد الشام، ص ۲۹۳.

۲. ادریسي، ابوعبدالله محمد، نزهه المشتاق فی اختراق الافق، ص ۲۶۹.

۳. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۹۶.

۶. همان، ص ۲۹۶.

۷. همان، ص ۲۲۶.

۸. صدوق، ابوجعفر محمد، من لا يحضر الفقيه، ج ۳، ص ۲۳۷.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۵۷۸.



شن استفاده می کردند و بر روی آن پوست گوسفند و مانند آن می انداختند.^۱ برخی از منازل سردار زیر زمینی داشت تا برای فرار از گرمای طاقت فرسا به این مکان پناه ببرند. در بین برخی از منازل راهروهایی درست کرده بودند که به دهليز معروف بود که گاهی برای خوابیدن و مطالعه استفاده می شد

۵. تفریحات و سرگرمی

در اسلام با توجه به آیات قرآن و سیره عملی اهل بیت(ع)، توجه ویژه ای به لزوم تفریح و اوقات فراغت شده است.^۲ اطلاعات در مورد سرگرمی و تفریحات از لابه لای اشعار شاعران دربار حمدانی مشخص می شود. قزوینی می نویسد: از تفریحات اهالی حلب این بود که اول بهار مردم به بیرون شهر می رفتند و آنجا به دو گروه تقسیم می شدند و مشغول به بازی به نام شلّاق می شدند و حتی گاهی باهم درگیر هم می شدند. در این درگیری گاه صدماتی به افراد وارد می شد.(و امروزه نام این ورزش به کبدی مشهور است).^۳ وی در مورد مردم دمشق می گوید: «مردم دمشق(اعم از شیعه و سنی) روزهای شنبه کارهای خود را تعطیل می کردند و به سرگرمی و استراحت می پرداختند». در ادامه می افزاید که دمشقیان در وسط شهر میدانی داشتند که همیشه سرسبز بود که بیشتر مردم به آنجا رفته و به خوش گذرانی می پرداختند و وقتی که شب می شد به مسجد جامع دمشق می رفتند و نماز می خوانند و بعد از اتمام دعا و نیایش به خانه های خود برمی گشتند.^۴ افزون بر شطرنج بازی در عصر فاطمی^۵ مردم به پیروی از امیران در برگزاری جشن ها زوین و نیزه پرتاب می کردند.^۶ شکار نیز از سرگرمی های دیگری بود که از بین امیران و مردم به اقتضای موقعیت اجتماعی آنان مرسوم بود.^۷ از

۱. طبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص ۱۳۱.
۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۸۲.
۳. قزوینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۳۹.
۴. همان، ص ۲۴۷.
۵. دعکور، عرب، دوله الفاطمیه التاریخ السیاسی و الحضاری، ص ۲۲۵.
۶. ابن قلانسی، ابویعلی حمزه بن اسد بن علی، ذیل المذیل علی تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۶.
۷. دعکور، عرب، دوله الفاطمیه التاریخ السیاسی و الحضاری، ص ۲۲۵.

دیگر سرگرمی‌های شیعیان طبریه شمشیر بازی با چوب بود.^۱ هم چنین مردم شهر بیت المقدس برای تفریح و استراحت به جنگلی که در یک فرسخی شهر بود می‌رفتند و اوقات فراغت خود را در این مکان سپری می‌کردند.^۲

آن گونه که از اشعار این دوره بر می‌آید سرگرمی‌های مردمان بستگی به جایگاه اجتماعی آنان داشت. مثلاً کسانی که وضعیت اقتصادی خوبی نداشتند، برای زدودن غم هاشان راهی میخانه می‌شدند،^۳ اما از آنجایی که قریب به اتفاق مردم حق زندگانی آزاد را نداشتند، همین سبب شده بود بیشتر مردم در فقر بسر ببرند و فرصتی برای تفریح نداشته باشند^۴ و اقلیت و طبقات مرقه جامعه ایام فراغت خود را به تفریح و سرگرمی مانند تیراندازی،^۵ شکار، اسب سواری^۶ و... مشغول باشند^۷ از سویی کسانی که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار بودند مانند امیران حمدانی به تقلید از شاهان ساسانی و خلیفه‌های بغدادی به نُرد و شترنج و گُوی و چوگان روی آورده بودند و شکار و اسب دوانی و شعرخوانی و مشاعره مورد علاقه توانگران بود.^۸ یا مسابقات اسب دوانی از تفریحاتی بود که در زمان فاطمیان بین شیعیان در شام مرسوم بود.^۹ طبق گزارش‌های تاریخی، حمدانیان سوارکاران نیرومند و ممتازی بودند و هیچ کدام از آنها در دوران ضعف حکومت در میدان جنگ روگردان نشدند.^{۱۰}

۵۲

۱. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۲۲۸.
۲. همان، ص ۲۲۹.
۳. سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ص ۲۰۷.
۴. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۶، ص ۵۰۹.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، ج ۵، ص ۵۰.
۶. همان، ج ۶، ص ۴۷.
۷. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۶، ص ۵۱۰.
۸. برقوقی، شرح دیوان المتنبی، ص ۳۱۳ و ۳۱۵؛ سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ص ۳۹۰-۳۹۱.
۹. دعکور، عرب، *دوله الفاطمیه التاریخ السیاسی و الحضاری*، ص ۲۲۵.
۱۰. سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ص ۱۷۸.



۶. آداب و رسوم

۶-۱. مراسم‌ها (جشن و عزاداری و...)

از شاخصه‌های اصلی شیعیان، ارادت عمیق آنان به اهل بیت پیامبر(ص) است. این ارادت به صورت‌های گوناگون در زندگی فردی و اجتماعی آنان، همچون وقف زمین و اشیای نفیس به مشاهد مشرفه، اقامه عزاداری برای ایشان، خشم و نفرت نسبت به دشمنان و قاتلان ایشان، تبرک جستن و... منعکس شده است. مولوی شاعر قرن ششم، در روز عاشورا وارد شهر حلب می‌شود و اشعاری را می‌سراید:

روز عاشورا همه اهل حلب باب انطاکیه اندر تا به شب

رد آید مرد و زن جمعی عظیم ماتم آن خاندان دارد مقیم

بشنمند آن ظلمها و امتحان کز بزید و شمر دید آن خاندان

نعره هاشان می‌رود در ویل و وشت پر همی گردد همه صحرا و دشت^۱

از این به دست می‌آید که برنامه عزاداری و سوگواری برای امام حسین و ائمه (ع) برگزار می‌شده و شیعیان از این طریق برای تبلیغ و نشر فرهنگ شیعه استفاده می‌کردند. نکته قابل تأمل در گزارش مولوی، شرکت زنان و مردان در مراسم سوگواری امام حسین (ع) است.

همچنین ابن‌کثیر (ق ۷۷۴) به عزاداری عاشورا در شهرهایی مانند بغداد و شام در زمان آل بویه اشاره و بیان می‌کند: شیعیان در روز عاشورا با پوشیدن لباس‌های سیاه به عزاداری می‌پرداختند و همچنین به خاطر تشنگی اهل بیت در این روز آب نمی‌نوشیدند. زنان در این روز بر سر و صورت خود می‌زدند و با این کار با اسرای اهل بیت(ع) ابراز همدردی می‌کردند^۲ و این روز را به خاطر شهادت امام سومشان روز حزن و عزا می‌دانند.^۳

۱. مولانا، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، ص ۸۳۹.

۲. ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، بدايه و النهايه، ج ۸، ص ۲۹۲.

۳. مقریزی، احمد بن علی، مواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۴۳۷.

نذر و نذورات

ابن عدیم گوید: شیعیان در حلب نذر و نذورات و وقوفاتی برای ائمه و امام زادگان داشتند. مانند زیارتگاه علی بن ابی طالب در بازار آهنگران^۱ یاقوت حموی در سال ۶۴۳ق از این مکان گزارش می‌دهد که در اینجا سنگی وجود دارد که مردم می‌گویند: خط و نوشته حضرت علی (ع) بر روی این سنگ است.^۲ ذهبی ذیل رویدادهای سال ۳۵۷ق اشاره به برگزاری عزاداری و مراسم اعیاد توسط شیعیان دارد. «در این سال [روز عاشورا] روافض سوگواری کردند و در روز عید غدیر جشن گرفتند و اظهار شادی کردند». ^۳ برخی اشاره ای به برگزاری آزادانه مجالس عزاداری حسینی در شام و حضور بسیاری از اهل سنت در آن مجالس دارد به طوری که خطباء با استناد به تاریخ صحیح و معتبر راجع به زشتکاری‌های معاویه و یزید و بنی امية سخن می‌گفتند.^۴

برگزاری مراسم عزاداری روز عاشورا و شادمانی عید غدیر از جمله آئین‌ها و مراسم مذهبی شیعیان حلب در این دوره بوده است.^۵ ابن عدیم از آتش گرفتن خزانه صوفیه در سال ۴۶۶ق در فتنه ای میان شیعه و سنتی در روز عاشورا خبر می‌دهد.^۶ برگزاری این مراسم، باعث اختلاف بین دو فرقه شیعه و سنتی شده و در نهایت منجر به آتش سوزی در این مکان شده است. نفوذ تشیع در عصر مردانسی‌ها چندان بود که آثار آن تا مدت‌ها بر فضای فرهنگی و مذهبی شهر حلب باقی ماند.^۷ برخی از محققان، گرامیداشت روز عاشورا در حلب و برگزاری مراسم خاص آن روز را از آیین‌های شیعه در عصر حمدانی‌ها ذکر کرده‌اند.^۸ از نشانه‌های وجود تشیع در مناطق شام از جمله حلب اذان گفتن

۵۴

۱. ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۲۵ و ۳۹.

۲. ابن زهره حلبي، حمزه بن علی، غنيه النزوع، ص ۱۱. [فی مشهد دکه تبرع جماعه و وقفا حسنا].

۳. ذهبی، شمس الدین محمدبن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۳۹ و ۲۵۵.

۴. مظفر، محمد حسن، تاریخ شیعه، ص ۲۲۲.

۵. زکار، سهیل، اماره حلب، ص ۲۱۴.

۶. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زیده الحلب، ج ۲، ص ۴۸۶.

۷. نصرالله، ابراهیم، تشیع و حلب، ص ۱۱۴-۱۱۱.

۸. کرد علی، محمد، خطط الشام، ج ۶، ص ۲۸۵.



به طریق شیعه بود که سال ۳۴۷ هجری به دستور سیف الدوله برای اولین بار در شهر حلب، جمله «محمد و علی خیر البشر» در وسط آذان به صورت یک سنت انجام می‌شد.^۱

۶-۱. سنت‌ها

از سنت‌های سفارش شده نبی گرامی اسلام در بین شیعیان، مراسم عقد و ازدواج است و این سنت دیرینه هم در منطقه شامات برگزار می‌شد. از جمله شروطی که توسط همه شیعیان برای ملک صالح مطرح شد، اینکه صیغه عقد ازدواج آنها توسط ابوالمکارم حمزه بن زهره حلبی باشد.^۲ از شروط دیگر اینکه هنگام تشییع جنازه اموات خود نام ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام خود را ببرند و در نماز میت پنج تکبیر بگویند.^۳ هم چنانی شهر طبریه به جهت کوهستانی بودنش، مزار اموات خود را در ارتفاعات قرار داده بودند.^۴ از جمله آداب و رسوم، وصیت کردن شیعیان به هنگام مرگ بود، لذا زمانی که محمد بن اسحق در عکا درگذشت، متنی در ضمن قصیده به طریقه کفن کردن شیعی و اینکه چشمایش را با کافور سرمه کشیدند، اشاره کرده است.^۵ در بین شیعیان طبریه اگر کسی از دنیا می‌رفت، جنازه او را تشییع می‌کردند و صاحب عزا را دلداری می‌دادند، تا سه روز پس از مرگ شخص متوفی به سر قبر او رفته و برای او ختم قرآن داشتند و روی قبرها را با سنگ درست می‌کردند.^۶

از دیگر سنت‌های شیعیان می‌توان به برگزاری نماز جمعه در مسجد جامع شهر عکا اشاره کرد که رومیان این مسجد را بعد از تصرف به کلیسا تبدیل کردند.^۷ یا زمانی

۱. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زیده الحلب، ج ۲، ص ۴۷۵-۴۷۶.

۲. ابوشامه مقدسی، شهاب الدین عبد الرحمن بن اسماعیل، روضتین فی اخبار الدولتين، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. غزی حلبی، کامل البالی، نهرالذهب فی تاریخ حلب، ج ۳، ص ۸۸؛ ابن زهر حلبی، حمزه بن علی، غنییه التروع، ص ۲.

۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۶۰.

۵. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ص ۴۵.

۶. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۶۰.

۷. ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل، ج ۲۳، ص ۹۳ (ترجمه).

که شیعیان برای حمایت از ملک صالح در مقابل تهدیدات صلاح الدین ایوبی شرایطی را مطرح کردند اینکه در مسجد جامع حلب نماز جماعت برگزار کنند.^۱ همچنین شیعیان در نیمه شعبان مراسمی در مشهد الحسین داشتند به طوری که مردم در این مکان جمع می شدند و بین نماز مغرب و عشاء قرائت قرآن و دعا داشتند.^۲ مقدسی گوید که در محل مسجد جبل صدیقا- میان صور و بیت المقدس- مراسمی است در روز جمعه نیمه شعبان، مردم از جمله شیعیان در آن جمع می شدند و نماینده سلطان در آن حضور داشت.^۳ که در برخی گزارشات تاریخی حمدانیان در جنگ با رومیان تعداد زیادی از این پرچم‌ها را حمل می کردند.^۴

همچنین در بین شیعیان حلب طعام دادن مردم به عزاداران حسینی در اول ماه محرم بود. شیعیان آن روز را با خانواده طعام مورد علاقه خود را می پختند و می خوردند. ابن منیر طرابلسی برای این آداب و رسوم قصیده ای سروده است. او عشق را از شام تا به سحر آموخت.^۵ آئین‌های دیگر در بین شیعیان، عطر و گلاب پاشیدن بر روی سنگی بود که در بیرون دروازه باب‌الیهود قلعه حلب وجود داشت و مسلمانان (اعم از شیعه و سنتی) و یهودیان و مسیحیان به آن دخیل می‌بستند و در زیارت آن همگام بودند زیرا آنجا مرقد چند پیامبر بود.^۶

۵۶

۶- ۲. هدیه دادن

از دیگر آداب و رسوم شیعیان در عصر فاطمی در شامات، هدیه لباس‌هایی که با طلا تزیین شده بود که آنها را به طبقات پایین تر هدیه می دادند و به نام «طراز» در بین مردم معروف بود.^۷ از آئین‌های دیگر منطقه شام، این بود که هر شب در شهرهای

۱. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، ص ۴۸۸.

۲. کردعلی، محمد، خطوط الشام، ج ۶، ص ۲۸۶.

۳. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۶۷.

۴. همان، ص ۸.

۵. و سهرت فی طبخ الحبو بمن العشاء إلى السحر، کردعلی، محمد، خطوط الشام، ج ۶، ص ۲۸۵.

۶. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴.

۷. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ص ۷.



مهم پس از نماز مغرب طبل های متعددی کوبیده می شد.^۱ البته این رسم تا زمان نورالدین زنگی برپا بود و او آن را منوع کرد.^۲

از جمله رسمنها این بود که همواره در هر روستا یک صندوق در مسجد جامع شهر بر ستون آویخته بودند که در صحن مسجد کنار دربها تعبیه شده بود تا پس اندازی باشد برای کمک به نیازمندان.^۳ از جمله می توان به طلسی که در شهر بیت المقدس از سنگ رخام درست کرده بودند که پشت این سنگ نوشته شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ»، این سنگ برای جلوگیری از گزیدن مار و عقرب در خانه ها نصب شده بود.^۴ وصیت کردن به دفن میت در کنار یکی از قبور مطهر و صلحاء از رسمنات دیگری بود که در منطقه شامات به خصوص بین شیعیان مرسوم بود مانند زمانی که احمد بن یوسف ملقب به ملک محسن یمین الدین، در سال ۶۴۴ ق در وقت نماز ظهر درگذشت، او وصیت کرد که قاضی حلب زین الدین ابو محمد عبدالله بن عبد الرحمن بر جنازه اش نماز بخواند سپس بدنش را به شهر رقه منتقل کنند و در جوار قبر عمار بن یاسر دفن کنند.^۵ ابن منیر طرابلیسی در حال احتضار وصیت کرد روی قبرش اشعاری را بنویسند.^۶

از آیین های مردم حمص این بود که اگر کسی با آب حمص، لباسهایش را بشوید تا زمانی که با آب دیگر شسته نشود، کسی که این لباس را می پوشد از گرند نیش عقرب در امان است و از عجایب حمص آن است که صورتی از سنگ در دیوار مسجدی که در نزدیک معبد یهودان کنده شده که نصف آن صورت آدمی و نصف دیگر، صورت عقرب است. اگر خاک خالص را گل نموده بر آن صورت بچسبانند و سپس گل را بخشکانند و

.۱. همان، ص .۸

.۲. ابن سیاط، حمره بن احمد، صدق الاخبار، ص ۱۳۶

.۳. مقدسی، ابو عبدالله محمد، أحسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۵۶

.۴. همان، ص ۲۶۴

.۵. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، بغیه الطلب، ص ۶۶

.۶. هاشم عثمان، تاریخ شیعه در شام، ص ۹۵

به آب زنند، آب را اگر عقرب زده بخورد، در همان حال شفا می‌یابد.^۱ هم چنین در شهر شهر طبریه دوازده چشمۀ مخصوص بود که مردم اعتقاد داشتند هر کس مرضی دارد با غسل کردن در آن چشمۀ شفا پیدا می‌کند.^۲ به علاوه این شهر چاهی به نام «کنود» داشت، هر کس از آبش می‌خورد، کم عقل می‌شد.^۳

۷. کشاورزی

تاریخ نشان داده است هر قوم و ملتی کم و بیش با صناعت کشاورزی آشنا بوده است، زیرا زندگی انسان‌ها وابسته به آن است. ویل دورانت صناعت کشاورزی را به عنوان یک عامل اقتصادی معرفی می‌کند.(ویل دورانت. ص ۱۲) در زندگی سرشناسان شیعه اعم از اهل بیت و دیگر افراد شاخص، به این صنعت توجه شده و حتی در زندگی آنان به عنوان یک الگو مطرح بوده است.^۴ با این مطلب می‌توان اشاره داشت که در زندگی شیعیان زراعت پر رونق بوده و وضعیت مالی خود را از این راه به دست می‌آوردد.

آب و هوای مناسب، حاصلخیزی زمین‌ها، دسترسی آسان به آب‌ها، باران‌های پی در پی^۵ و رودهای پر از آب،^۶ زمینه کشاورزی و کشت محصولات را در مناطق^۷ و روستاهای اطراف دمشق فراهم می‌کرد به طوری که^۸ از آب رودها برای آبیاری مزرعه‌ها و بوستانها استفاده می‌شد. برخی از مزارع به آبیاری مستقیم نیاز نداشت و از چشمۀ‌ها و قنات‌ها استفاده می‌شد، چنانچه در حمص و بیت المقدس،^۹ درختان انجیر و خرما و زیتون بصورت دیم به عمل می‌آمد. به طوری که از قدیم الایام در این سرزمین،

۵۸

۱. قروینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاط و اخبار العباد، ص ۲۴۰.
۲. همان، ص ۲۷۴.
۳. همان، ص ۲۷۸.
۴. کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۲۵۴.
۵. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی نصیبی، صوره الارض، ص ۱۷۰-۱۷۸.
۶. همان، ص ۱۷۱.
۷. غزی حلبی، کامل البالی، نهر الذهب فی تاریخ حلب، ج ۱، ص ۵۳.
۸. ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۱۸.
۹. بغدادی، صفی الدین عبدالمومن، صفی الدین، مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه، ج ۱، ص ۱۷۱.



محصولات گوناگون کشت می‌شد و پیش از ورود اسلام به شام و در زمان نفوذ رومیان، این سرزمین پر محصول و خرم بود.^۱ مثلاً حلب به تولید غلات و تره بار شهرت داشت.^۲ به طوری که شام در خوش آب و هوایی و پرآبی ضرب المثل شده بود.^۳ مسلمانان و خصوصاً شیعیان رغبت به زراعت داشتند و انواع محصولات و میوه‌ها را به دست می‌آوردن،^۴ زیرا فراهم شدن محصول کافی در هر منطقه زمینه‌های نفوذ و اقتدار حاکمیت را افزایش می‌دهد و از طرفی حمایت مردمی را در بی خواهد داشت. به صورتی که اگر کشاورزی و دامپروری پرورونق باشد، دکان صنعتگران در شهرها روشن می‌شد و کاروان‌های تجاری در بیابان‌ها به حرکت در می‌آمدند و از طرفی در بلاد تحت حاکمیت حمدانی‌ها، منابع مختلف وجود داشت که می‌توانست در اجرای این کار کمک شایانی بکند؛ زیرا در کشتزارها انواع محصولات مانند غلات (گندم و جو و برنج و ذرت) و حبوبات به دست می‌آمد و در بستانهای اقسام میوه (نارنج، ترنج، گلابی، سیب، انار، انجیر، و....) و تره بار پرورش داده می‌شد.^۵

۵۹

گاهی برای آبیاری نیاز بود ظرف‌های شبیه دلو، به وسیله شتران به مناطق دور فرستاده می‌شد، با این حال در کنار رودها و آب انبارها، چرخ‌ها و دلوهایی تعییه شده بود که از نظر جابجایی آب بی نظیر بود.^۶ از گزارش ابن عدیم به دست می‌آید بخش وسیعی از کناره رودهای پر آب را این چرخ‌ها پر کرده بودند و بر کناره رود عاصی از کفرطالب تا حمام، دولاب‌هایی به نام «حنانه» نصب شده که از جمله آنها حنانه معروف «ام الحسن» بود که گویا چرخی چهل ذراعی داشت.^۷ ایجاد آب راهها و کانال کشی آب از رودها، از روش‌های آبیاری بود. چنانچه بستانهای اطراف حلب به وسیله

۱. بلاذری، احمد بن محمد بن خالد، فتوح البلدان، ص ۱۳۸.

۲. حلی غزی، کامل البالی، نهر الذهب، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ص ۲۴۵.

۴. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی نصیبی، صوره الارض، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۵. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی نصیبی، صوره الارض، ص ۱۹۹ و ۲۰۰، ۱۹۱، ۱۵۹-۱۶۴؛ مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۶. دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری، نخبه الدهر، ص ۳۳۳.

۷. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، بغیه الطلب، ج ۱، ص ۱۴۹.

جویبارهای آبیاری می‌شد که آب را از رود عاصی به بستان‌ها منتقل می‌کرد.^۱ گاهی نهرها علاوه بر تامین آب شرب منطقه، آب مورد نیاز کشاورزی را هم تامین می‌کرد. به عنوان نمونه در بعلبک آب وارد شده به شهر، با شبکه‌ای تقسیم می‌شد. قسمتی از آب به زمین‌های کشاورزی و قسمتی از آن به قلعه می‌رفت و بر روی این کanal‌های آب، آسیاب‌هم نصب شده بود.^۲ تولید شکر از نیشکر یکی از محصولات شهرهایی مثل طرابلس^۳ و صور بود^۴ و نیشکر در زمان فاطمیان در مصارف گوناگونی استفاده می‌شد.^۵ از محصولات مهم شهر بیت المقدس در قرن چهارم، می‌توان به جمع آوری زیتون و روغن آن اشاره کرد^۶، زوائد روغن‌ها برای سوخت چراغها استفاده می‌شد.^۷ و در شهرهایی مانند حلب، طرابلس و لاذقیه کارگاه‌هایی برای ساخت صابون وجود داشت.^۸ روغن زیتون به مصر و حجاز صادر می‌شد.^۹ در بیت المقدس از انگور در درست کردن حلوا استفاده می‌کردند و به مناطق دیگر صادر می‌کردند^{۱۰} و با اضافه انگورها کشمش و مویز درست می‌کردند که به خاطر فراوانی ارزان بود.^{۱۱} در شهر دمشق نهری بود به نام «بردی» که از ابتدا وارد کanal‌ها می‌شد و آب شرب قسمت غربی و شرقی شهر دمشق را تامین می‌کرد و بعد از گذشت از آن، هرکدام به سمت باغ‌ها، حمام‌ها، خانه‌ها و مزارع

۶۰

۱. دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری، *نخبه الدهر*، ص ۳۳۳.
۲. ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد، *اعلاق الخطیره*، ص ۴۲.
۳. ناصرخسرو، *سفرنامه*، ص ۲۰.
۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۲۳۱.
۵. ژاک، نانته، *تاریخ لبنان*، ص ۳۴۸.
۶. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۲۳۱.
۷. همان، ج ۱ ص ۲۲۹؛ دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری، *نخبه الدهر*، ص ۳۰۴.
۸. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۲۴۵.
۹. ناصرخسرو، *سفرنامه*، ص ۳۵؛ دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری، *نخبه الدهر*، ص ۳۱۵.
۱۰. مقدسی، ابوعبدالله محمد، *احسن التقاسیم*، ج ۱، ص ۱۲۲.
۱۱. همان، ص ۲۴۳.



کشیده می شد.^۱ آسیاب هایی بر روی این آبها درست شده بود^۲ و در مناطقی که آب کمتر بود، قنات هایی حفر می کردند و گاهی طول این قنات ها از چند روستا و شهر هم رد می شد، مانند قناتی که از سلمیه تا حمام کشیده شد که بوستانهای اطراف حمام از آن آبیاری می شد.^۳ ابن شداد از حدود ۳۴ حلقه چاه یاد می کند که آب قنات دمشق را تامین می کردند.^۴

برخی گویند در شهر بیت المقدس باران کشت های آنان را سیراب می کرد. یعنی روستایی بوده که بیشتر به کشتزاری مشغول بوده اند و از زندگی کشاورزی ساده ای برخوردار بوده و این همان کشاورزی است که امروزه کشاورزی « دیم » می گویند^۵ و سپس سخن از جبل عامل مطرح و می گوید: جبل عامل روستایی ارزشمند، دارای انگور فراوان، میوه و زیتون دارد و کشت های آن را باران سیراب می کند، مشرف به دریاست و به کوه لبنان پیوند دارد^۶ ابن عدیم گزارش می دهد زمانی مردم حلب مطیع تن ش سلجوقی نشدند، لذا مزارع سر راه میان معراج النعمان و حلب را تخریب کردند.^۷ وی در گزارش دیگری علت تسليم مردم حلب را به مسلم بن قریش، نیاز غذایی می شمارد و می نویسد مسلم که از اوضاع حلب باخبر بود با خود غله زیادی آورد. مردم که از گرسنگی به سته آمده بودند. شهر حلب را به او تسليم کردند.^۸ چون در قرن ۴ و ۵ و ۶ غلات و حبوبات از محصولات مهم بودند و مهمترین مراکز کشت این محصولات

۱. ابن شداد، عزالدین ابو عبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۱۸.
۲. عمری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ص ۱۱۷ و ۱۱۵.
۳. دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی انصاری، نخبه الدهر، ص ۳۲۳؛ ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، بغیه الطلب، ج ۱، ص ۱۴۳.
۴. ابن شداد، عزالدین ابو عبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۱۹.
۵. مهاجر، جعفر، جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی، ص ۴۷.
۶. مقدسی، ابو عبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۱.
۷. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زبدہ الحلب، ج ۱، ص ۲۰۱.
۸. همان، ص ۱۲۰.

بعلبک^۱، طرابلس^۲، معزالنعمان و حوران بود.^۳ از مهمترین محصولات، انواع میوه جات مثل سیب، نارنج، لیمو، خرما و پسته بودند که در شهرهایی مانند فلسطین و قنسرين برداشت می‌شد.^۴ حلب^۵، طرابلس^۶، دمشق^۷، بعلبک^۸، قدس و ^۹لبنان مراکز مهم برداشت میوه بودند و محصولات آنها بیش از نیاز خود بود، لذا به مناطق دیگر صادر می‌کردند.^{۱۰} در بیت المقدس زیتون فراوان بود و ساکنان برای اینکه از خراب شدن آنها جلوگیری کنند، روغن آنها را می‌گرفتند و در چاه‌هایی نگهداری می‌کردند.^{۱۱}

از دیگر محصولات کشاورزی شامات، مانند طرابلس^{۱۲}، بیروت و ^{۱۳}صیدا^{۱۴} نیشکر است که افزون بر مصرف غذایی، از آن در صنعت و تجارت استفاده می‌کردند. پنبه نیز در منطقه شام مانند قدس^{۱۵} و در قرن های ۵ و ۶ در اطراف حلب کشت می‌شد^{۱۶} که این مزارع توسط صلیبی‌ها غارت می‌شد.^{۱۷} در اطراف بیروت و لبنان درختان زیادی

۱. ادريسی، ابوعبدالله محمد، نزهه المشتاق فی اختراق الافق، ج ۱، ص ۳۶۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳. عمری، احمد بن يحيی، مسالك الابصار فی ممالك الامصار، ص ۱۰۷.

۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ص ۵۴۱-۲۵۳؛ ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۱۸-۳۵؛ ادريسی، ابوعبدالله محمد، نزهه المشتاق، ج ۱، ص ۳۶۷-۳۶۴.

۵. قروینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۲۸.

۶. حمیری، محمد بن عبدالمنعم، روض المغطار فی خبر الاقطار، ص ۳۹۰.

۷. قروینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۶۸.

۸. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ص ۲۲۵.

۹. قروینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۶۷.

۱۰. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ص ۲۴۱.

۱۱. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۳۵.

۱۲. ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۱۰۴.

۱۳. ادريسی، ابوعبدالله محمد، نزهه المشتاق، ص ۲۷۴.

۱۴. ناصرخسرو، سفرنامه، ص ۲۳.

۱۵. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ص ۲۵۳.

۱۶. قروینی، زکریاء بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۳۸.

۱۷. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زبدة الحلب، ج ۱، ص ۲۹۲.



وجود داشت که از چوب آنها، در مصارف متعددی استفاده می‌شد.^۱ شلمبرقر گوید: انسان متعجب است که چه طور زراعت و کشاورزی در حلب آن قدر رونق داشته است.^۲

۸. دامپروری

دامداری نیز همچون کشاورزی از مشاغل پر برکت است، امام صادق علیه السلام وجود چارپا را مایه سعادت زندگی می‌دانست.^۳ امامین عسکریین احشام قابل توجهی داشتند.^۴ و به نگهداری حیواتی مانند گاو و گوسفند یا بز مشغول بودند که ده ها منافع غذایی و پوشایی را به شیعیان می‌داده است.^۵ پرورش اسب در حلب رواج داشت^۶ و در قرن ۵ و ۶ هجری در دوره جنگهای صلیبی قیمت آن گران^۷ و از مشاغل درآمد زا شد. در شهر افامیه افزون بر پرورش گوسفند، به پرورش گاو هم مشغول بودند.^۸ مقدسی در کتاب خود به پنیر و شیر از محصولات باکیفیت بیت المقدس اشاره دارد.^۹ از محصولات تولید شده در بعلبک می‌توان به شیر اشاره کرد که فراورده‌های فراوانی از این محصول بدست می‌آمد.^{۱۰} دامپروری در اطراف شام رواج داشت و چراگاهایی به همین منظور به وجود آمد.^{۱۱} در کوه و دشت به پرورش چارپایان می‌پرداختند و گاو و گوسفند و به

۱. عمری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ص ۱۲۱؛ ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد، اعلاق الخطیره، ص ۱۰۱.
۲. صنعتگر، خلیل، حمدانیان مدافعان قدس، ص ۵۴.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰.
۴. مفید، محمد بن نعمان، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۷.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۰. (باب فضل لحم الضان).
۶. ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، زبدہ الحلہ، ص ۱۴۰.
۷. ابن منقد، اسامه، الاعتبار، ص ۲۰؛ ابن قلانسی، ابویعلی حمزہ بن اسد بن علی، ذیل و المذیل علی تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۹۲.
۸. همان، ص ۶۰.
۹. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۴۳.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۵۴؛ ادریسی، ابوعبدالله محمد، نزهه المشتاق، ص ۱۲۲.
۱۱. عمری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ص ۱۰۷.

ویژه اسب پرورش می‌دادند.^۱ از دشت‌ها عسل به دست می‌آوردن.^۲ از بیابان‌ها نمک و چوبک جمع آوری می‌کردند^۳ و آنها را همراه فرآورده‌های دامی به ساکنان در شهرها می‌فروختند. تجارت اضافه این مواد را به صنعتگران می‌فروختند و آنها گوشت را نمک سود می‌کردند.^۴ از پوست آنها در درست کردن چرم برای ساخت کفش استفاده می‌کردند.^۵ پشم را ریسیده و از آن به عنوان زیر انداز استفاده می‌کردند.^۶

نتیجه

۶۴

با توجه به شواهد و آثار تاریخی بر جای مانده از قرن چهارم تا هفتم و حاکمیت دولت‌های سنی در منطقه شامات، شیعیان از زمان ابوذر غفاری و هجرت برخی از صحابه پیامبر مانند مالک اشتر و غیره به منطقه، به وجود آمده است و با استقرار دولت‌های شیعی مانند حمدانیان، آل عمار و آل مرداس در این منطقه تقویت شده اند و به مرور زمان زندگی کرده اند. شیعیان دارای سبک زندگی اسلامی بوده اند، هم چنین آداب و رسوم بر پایه دستورات دین و اهل بیت را در مورد مهمانی و پوشش در آن زمان داشتند و گذران زندگی خود را از راه کشاورزی و دامپروری ادامه می‌دادند، اما به خاطر اینکه تاریخ نویسان تحت حمایت صاحبان قدرت غیر شیعی بوده‌اند و از سویی شیعیان در تقویه بودند و گاهی سرکوب می‌شدند به این سبب توجه زیادی به سبک زندگی نداشتند و مطالب کمتری در این مورد وجود دارد و ما از لایه لای کتب تاریخی و برخی از سفرنامه‌ها به آن اشاره کردیم.

۱. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی نصیبی، صوره الارض، ص ۱۹۱، ۱۶۸، ۱۹۶.

۲. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۵.

۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۵. همان، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۶. همان.



فهرست منابع

- ۱- آن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، ج اول، موسسه کیهان، ۱۳۶۶ ش.
- ۲- ابن رسته، احمد بن عمر، *اعلاق النفیسہ*، تصحیح حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۰ ش.
- ۳- ابن منظور، *لسان العرب*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج اول، ۱۴۰۸ ه.
- ۴- ابن شبه، ابو زید، *تاریخ مدینه المنوره*، قم: دارالفکر، ۱۳۶۸.
- ۵- ابوالفداء، عماد الدین اسماعیل بن علی بن محمود، *تقویم البلدان*، تحقیق بارون دیسلان، پاریس، ۱۸۴۰ م.
- ۶- ابن سیاط، حمزة بن احمد، *صدق الاصحیار*، طرابلس، ۱۴۱۳ ه.
- ۷- ابن شداد، عزالدین ابو عبدالله محمد، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره*، (تاریخ لبنان، اردن، فلسطین) تحقیق سامی الدهان، دمشق، معهد французской для исследований арабской культуры، دمشق، ۱۳۸۲ ق.
- ۸- ابن منقد، اسامه، *الاعتبار*، بیروت: دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۹- ابن عدیم، کمال الدین ابو القاسم عمر بن احمد، *زیده الحلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۰- ابن قلانسی، ابویعلی حمزه بن اسد بن علی، *الذیل والمذیل علی تاریخ دمشق*، تحقیق سهیل زکار، دمشق: بی جا، ۲۰۰۷ م.
- ۱۱- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن علی نصیبی، *صوره الارض*، تحقیق جعفر شعار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶ ش.
- ۱۲- ابن زهر حلبي، حمزه بن علی، *عنيه النزوع*، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری، موسسه امام صادق، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۳- ابن اثیر، عزالدین علی، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه عباس خلیلی، تهران: انتشارات علمی، بی تا.
- ۱۴- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۵- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق خلیل شحاده، دارالفکر، ج دوم، بیروت، ۱۴۰۸ م.
- ۱۶- ابوشامه مقدسی، شهاب الدین عبد الرحمن بن اسماعیل، *الروضتين فی اخبار الدولتين النوریه و الصلاحیه*، بیروت، مکتبه الشامله، [ابی تا]
- ۱۷- ادریسی، ابو عبدالله محمد، *نزهه المشتاق فی اختراق الآفاق*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۹ ه.
- ۱۸- بلاذری، احمد بن محمد بن خالد، *فتح البلدان*، مترجم محمد توکل، بی جا: نشر نقره، ۱۳۷۷ ش.

- ۱۹- برقوقی، عبد الرحمن، *شرح دیوان المتنبی*، بيروت: دارالكتب العربي، ۱۹۸۶ م.
- ۲۰- بغدادی، صفی الدین عبدالمومن؛ *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه*، بي جا: داراحیاء الكتب العربية، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۱- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بيروت: دارصادر، ۱۹۵۵ م.
- ۲۲- حمیری، محمد بن عبدالمنعم، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، بيروت: مكتبه لبنان، ۱۹۸۴ م.
- ۲۳- حلبی غزی، کامل البالی حلبی، *نهر الذهب فی تاريخ الحلب*، حلب: بي نا، ۱۳۴۵ ق.
- ۲۴- جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران: انتشارات سازمان، ج اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۵- راغب اصفهانی، حسین بن علی، *مفردات الفاظ قرآن*، محقق صفوان عدنان داویدی، لبنان، دارالعلم، ۱۴۱۲.
- ۲۶- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، بي جا: نگاه، بي تا.
- ۲۷- رگ. برن، ویلیام فیلدینگ، *زمینه جامعه شناسی*، مترجم امیر حسین آریانپور، بي جا: گستره، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۸- زکار، سهیل، *امارة حلب*، دمشق: دارالكتب العربي، [ابی تا].
- ۲۹- زاک، نانته، *تاریخ لبنان*، ترجمه اسدالله علوی، ج اول، مشهد: بنیاد پژوهشها، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۰- دعکور، عرب، *دوله الفاطمیه للتاریخ السیاسی و الحضاری*، بيروت: دارالمواسم، ۱۴۲۵ ق.
- ۳۱- دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری، *نخبه الدهر فی عجایب البر والبحر*، تهران: اساطیر ۱۳۸۲ ش.
- ۳۲- ذهبي، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام ذهبي و وفيات المشاهير والاعلام*، بيروت: دارالكتب العربي، ۱۴۱۳ ق.
- ۳۳- سامر، فیصل، *دولت حمدانیان*، ترجمه علیرضا ذکاوی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج اول، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۴- سید مرتضی، علی بن حسین، *تبصره العوام فی معرفه مقامات الانعام*، تصحیح عباس اقبال، بي تا.
- ۳۵- صنتنگر، خلیل، *حمدانیان اولين مدافعان قدس*، قم: نور السجاد، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۶- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، *من لا يحضره الفقيه*، ترجمه غفاری، ج اول، تهران: انتشارات نشر صدوق، ۱۳۶۷ ش.
- ۳۷- علی احمد، اسماعیل، *تاریخ بلاد الشام فی صدر الاسلام و العصر الاموی*، بي جا: دراسه الاجتماعیه اقتصادیه فکریه و عسکریه، ۱۹۹۸ م.
- ۳۸- عمری، احمد بن یحیی، *مسالک الابصار فی ممالك الامصار*، قاهره، المهدالعلمی الفرنی، [ابی تا].
- ۳۹- غزی حلبی، کامل البالی حلبی، *نهر الذهب فی تاريخ الحلب*، حلب: بي نا، ۱۳۴۵ ق.



بررسی سبک زندگی شیعیان سرزمین شام قرن چهارم تا هفتم با تأکید بر ادب و رسوم

۶۷

- ۴۰- طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- ۴۱- طبرسی، رضی الدین، **مکارم الاخلاق**، بی جا: صبح پیروزی، بی تا.
- ۴۲- طقوش، امجد سهیل، **تاریخ فاطمیین فی شمالی افریقیہ و مصر و بلاد الشام**، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۲۸ق.
- ۴۳- قزوینی، زکریاء بن محمد، **آثار البلاط و اخبار العباد**، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۸ق.
- ۴۴- کردعلی، محمد، **خطط الشام**، بیروت: مکتبه النوری، سوم، ۱۴۰۳ق.
- ۴۵- کتانی، عبدالحی، **نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام**، ترجمه علیرضا ذکاوی، قم: سمت، ۱۳۸۴ش.
- ۴۶- کاویانی، محمد، **سبک زندگی اسلامی و ابزار های سنجش آن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
- ۴۷- کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، ترجمه عباس دشتی، قم: موعود اسلام، ۱۳۹۰ش.
- ۴۸- مفید، محمد بن نعمان، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، ترجمه رسولی محلاتی، تهران: فرهنگ اسلامی، بی تا.
- ۴۹- مقیری، احمد بن علی، **مواعظ و الاعتبار بذكر خطط و آثار**، مصحح سید، ایمن فؤاد، لندن: موسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- ۵۰- مقدسی، ابوعبدالله محمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه منزوی، تهران: مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱ش.
- ۵۱- مظفر، محمد حسن، **تاریخ شیعه**، ترجمه سید محمد باقر حجتی، بی جا: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ۵۲- مولانا، جلال الدین محمد بلخی، **مثنوی معنوی**، تحقیق، سبحانی، دفتر ششم، تهران: روزنه، ۱۳۸۲ش.
- ۵۳- مهاجر، جعفر، **جبل عامل از شهید اول تا شهید ثانی**، ترجمه موسی دانش، مشهد: آستان قدس، ۱۳۹۳ش.
- ۵۴- ناصر خسرو، **سفرنامه**، تصحیح محمد دبیر سیاقی، ج دوم، مشهد: زوار، ۱۳۶۳ش.
- ۵۵- نصرالله، ابراهیم، **حلب و تشیع**، ج اول، بیروت: موسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
- ۵۶- نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: موسسه آل بیت، ۱۴۰۸.
- ۵۷- ویل دورانت، **تاریخ تمدن**، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
- ۵۸- هاشم عثمان، **تاریخ شیعه در شام**، ترجمه حسن حسین زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.

